گزارش «شرق» از رونمایی چاپ عکسی «صحیفه سجادیه»، به تصحیح و خط علامه کفعمی

نسخه‌ای نادر از صحیفه سجادیه

محسن اسماعیل‌زاده

یکشنبه هفدهم آبان‌ماه، هم‌زمان با سالروز شهادت امام‌سجاد(ع)، مراسم رونمایی از چاپ عکسی یکی از نسخه‌های خطی مهم و منحصربه‌فرد صحیفه سجادیه که به خط علامه تقی‌الدین کفعمی نوشته شده و اکنون به همت کتابخانه ملی و با مقدمه‌ای مفصل از سیدمحمدحسین حکیم به چاپ رسیده است، در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. دست‌نویس کفعمی از صحیفه سجادیه یکی از نسخه‌های خطی معتبر به‌جامانده از صحیفه سجادیه است و چنان‌که در نشست رونمایی از چاپ عکسی این دست‌نویس مطرح شد، اهمیت آن در دانش ادبی و دینی کفعمی و تصحیحی است که او روی این نسخه انجام داده. اهمیت این نسخه تا به آن حد است که علامه محمدتقی مجلسی و شیخ بهایی در آرزوی به‌دست‌آوردن و خواندن آن بوده‌اند. در نشست رونمایی از چاپ عکسی این نسخه، حجت‌الاسلام هادی اشرفی، صحیفه‌پژوه، دکتر غلامرضا امیرخانی، پژوهشگر و معاون کتابخانه ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، دکتر اسماعیل باغستانی، محقق و عضو دانشنامه جهان اسلام، دکتر باقری، رئیس مؤسسه بشری و مرکز دعاپژوهی نیایش و اخلاق، حجت‌الاسلام احمدرضا بهاری، دکتر حسینی، سیدمحمدحسین حکیم، نسخه‌پژوه، دکتر خالقیان، حجت‌الاسلام محمدعلی خسروی، دکتر سیدمحمود سادات، دکتر احسان‌الله شکراللهی، مدیرکل کتاب‌های خطی و نادر کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، دکتر عبدالحسین طالعی، استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه قم، فتح‌الله کشاورز، سلیم گندمی، حجت‌الاسلام سیدمحمدتقی موسوی ایلامی و حجت‌الاسلام محمدرضا نورالهیان، صحیفه‌پژوه و مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، حضور داشتند.

نخستین‌جرقه

در ابتدای نشست، حجت‌الاسلام محمدرضا نورالهیان، که خود از بانیان انتشار چاپ عکسی این نسخه خطی است، از نخستین جرقه به‌ظهوررسیدن صحیفه‌ای که به دست کفعمی کتابت شده سخن گفت و بانی اصلی به‌چاپ‌رسیدن چاپ عکسی آن را دکتر عبدالحسین طالعی، که خود در نشست حضور داشت، معرفی کرد و گفت: «روزی آقای دکتر طالعی اطلاع دادند که آقای سیدعلی طباطبایی، پسر آقاعزیز طباطبایی، به نسخه‌ای از صحیفه سجادیه دست یافته‌اند که هم شیخ بهایی و هم علامه محمدتقی مجلسی، آرزو داشته‌اند آن را ببینند و بر این نسخه، که نسخه کاملی از صحیفه است، بسیاری از بزرگان شیعه حاشیه‌نویسی کرده‌اند. آقای دکتر طالعی گفتند که اگر کسی این نسخه را به ظهور بیاورد، این کار، خدمت و گامی بزرگ در عرصه انتشار صحیفه سجادیه و آشنایی عاشقان و عارفان به معارف اهل‌بیت با این کتاب است. ایشان همچنین گفتند که یک محقق توانا و با مسامحه اندکی باید بگویم بی‌نظیر در عرصه صحیفه‌پژوهی به نام سیدمحمدحسین حکیم مقدمه‌ای ۱۸۰ صفحه‌ای بر این نسخه نوشته که این مقدمه حاصل پژوهشی ۱۶ساله است». حجت‌الاسلام نورالهیان در ادامه درباره مقدمه محمدحسین حکیم بر این نسخه از صحیفه گفت: «این مقدمه مبتنی‌بر رفرنس است و نویسنده در آن با نظام دانش‌نامه‌ای آنچه را که طی ۱۲ قرن بر صحیفه سجادیه گذشته، آورده است». نورالهیان در ادامه گفت: «این صحیفه با همت کتابخانه ملی که تمامی هزینه چاپ آن را به بهترین شکل ممکن تقبل کرد به زیور طبع آراسته شد و در دسترس بزرگان قرار گرفت».

پس از صحبت‌های مقدماتی حجت‌الاسلام نورالهیان، دکتر غلامرضا امیرخانی اداره جلسه را بر عهده گرفت. دکتر امیرخانی ابتدا تاریخی از کار کتابخانه ملی در زمینه جمع‌آوری و نگهداری نسخه‌های خطی ارائه داد و گفت: «کتابخانه ملی از بدو تأسیسش، یعنی از سال ۱۳۱۶، یک بخش مهم مخطوطات داشته که به مرور زمان به کتاب‌های این بخش اضافه شده است، چنان‌که امروزه بخش مخطوطات کتابخانه ملی از نظر تعداد، بعد از آستان قدس، رتبه دوم را در کشور دارد و از نظر اهمیت هم قطعا جزء سه، چهار مجموعه برتر کشور است». دکتر امیرخانی گفت: «نسخه‌های خطی بسیار نفیسی در این مجموعه هست که اطلاعاتشان در فضای مجازی هم وجود دارد. کتابخانه ملی تا الان چند کار در حوزه احیای متون انجام داده که عمدتا در حوزه ادبیات بوده، ولی سابقه نداشته است که نسخه‌ای غیر از نسخه‌هایی را که متعلق به مجموعه خودش بوده منتشر کند و صحیفه سجادیه اولین کار کتابخانه ملی در زمینه چاپ متون خطی‌ای است که متعلق به جایی دیگر بوده».

یکی از قدیمی‌ترین مکتوب‌های تمدن اسلامی

پس از صحبت‌های دکتر امیرخانی، نوبت به سیدمحمدحسین حکیم رسید تا از صحیفه سجادیه و نسخه نوشته‌شده به خط کفعمی که با مقدمه او منتشر شده سخن بگوید. حکیم در آغاز سخنانش درباره اهمیت صحیفه سجادیه گفت: «هم‌میهمان می‌دانیم که صحیفه سجادیه یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تمدن اسلامی و همچنین به نحوی شاید بشود گفت بعد از قرآن، قدیمی‌ترین اثر مکتوب تمدن اسلامی است که به دست ما رسیده». حکیم در ادامه صحبت‌هایش یکی از وجوه اهمیت صحیفه سجادیه را در این موضوع عنوان کرد که «صحیفه جزء معدود کتاب‌های مذهب شیعه است که فقط مورد توجه شیعه اثنی‌عشریه یا امامیه نبوده و فرقه‌ها و مذهب‌های دیگر شیعه هم مثل زیدیه و اسماعیلیه به آن توجه داشته‌اند». حکیم در ادامه گفت: «چون یکی از کاتبان اول این کتاب، زید، پسر امام‌سجاد(ع)، بوده، زیدیه خیلی به این کتاب عنایت دارند و همچنین چون در مقدمه‌اش از اسماعیل هم اسم برده شده، اسماعیلیه هم بسیار به آن توجه دارند و حتی برخلاف ما که الان توجه زیادی به صحیفه سجادیه نداریم، این کتاب، جزء کتاب‌های درسی اسماعیلیه است». حکیم در ادامه گفت: «با همه اهمیتی که این کتاب برای ما دارد اما قدرش دانسته نشده است. اصولی‌ترین کاری که درباره کتابی با این اهمیت باید انجام شود این است که متنی از آن فراهم شود که بتوانیم به‌راحتی به آن استناد کنیم، اما متأسفانه الان چاپ صحیحی از صحیفه که بتوانیم بگوییم خیلی از نسخه‌ها با آن مقابله شده و کار تحقیقی دقیقی روی آن انجام شده است نداریم، اما می‌توان گفت نسخه حاضر که به دست کفعمی نوشته شده، بین نسخه‌های موجود، نسخه معتبرتری از صحیفه سجادیه و به متن اصلی آن بسیار نزدیک است». حکیم آن‌گاه با اشاره به نسخه‌هایی که اکنون از صحیفه سجادیه چاپ می‌شود، گفت: «بیشتر نسخه‌هایی که الان دارد از صحیفه چاپ می‌شود، از روی همان تصحیحی است که ۵۰، ۶۰ سال پیش انجام شده است، یعنی همه همان چاپ را که براساس امکانات آن موقع و در زمانی که هنوز نسخه‌های قدیمی کتاب پیدا نشده بود فراهم شده، افست می‌کنند. برای همین اولین کاری که در حوزه صحیفه‌پژوهی باید انجام شود، یک تصحیح و تحقیق دقیق از صحیفه سجادیه است و برای این‌کار ما باید اول نسخه‌های قدیمی صحیفه را شناسایی کنیم. اینجاست که اهمیت این نسخه تازه‌یافته کفعمی مشخص می‌شود». حکیم سپس درباره اهمیت این نسخه گفت: «کفعمی بین علمای شیعه به اشراف بر دو موضوع مشهور بوده است: یکی دعا و دیگری ادب. بنابراین یک آدم معمولی نبوده که به‌عنوان یک کاتب نسخه‌ای از صحیفه را نوشته باشد و ما به‌صرف اینکه کاتبی بوده و نسخه‌ای از صحیفه را نوشته، به او اهمیت دهیم. درواقع درک کفعمی و سواد و تخصص او اهمیت نسخه‌ای را که او نوشته، برای ما چند برابر می‌کند. کفعمی آن‌قدر به صحیفه سجادیه عنایت داشته که سه‌بار آن را کتابت کرده است». حکیم با اشاره به آخرین نسخه‌ای که کفعمی از صحیفه کتابت کرده است، کار کفعمی را با شیوه‌ای از تصحیح متون مقایسه کرد که امروزه به آن تصحیح انتقادی می‌گویند: «کفعمی در این نسخه دو کار مهم انجام داده است؛ یکی اینکه کتاب را تصحیح کرده، یعنی با نسخه‌های دیگر مطابقت داده و دیگر اینکه براساس موازین ادبی که از روایات و قرآن گرفته بعضی از ضبط‌ها را تصحیح کرده است و خودش در حواشی توضیح داده است که من این ضبط را به این دلیل بر ضبط دیگر ترجیح می‌دهم که در یک آیه یا یک روایت از امام معصوم این‌طور آمده و بنابراین اینجا هم قاعدتا باید به همان سبک ضبط شده باشد. این همان کاری است که در دنیای جدید به آن تصحیح انتقادی می‌گوییم و آن را رهاورد غرب می‌دانیم درحالی‌که کفعمی بسیار پیش از این، دست به چنین کاری زده است، یعنی در روزگاری که نهایت کاری که روی این متون می‌کردند این بود که نسخه‌ها را با هم مقابله کنند و اگر هم تشخیص می‌دادند یک ضبط درست‌تر از ضبط دیگر است بی‌آنکه کاری به دلیلش داشته باشند آن‌را در متن می‌آوردند، ولی کفعمی دلیل آورده و این خیلی‌خیلی مهم است». از دیگر دلایلی که حکیم در ذکر اهمیت نسخه کفعمی برشمرد، یکی هم مرجع‌بودن این نسخه در هند بود. حکیم دراین‌باره گفت: «نسخه کفعمی در هند جزء نسخه‌های مرجع صحیفه سجادیه بوده است و در ایران نیز علمای بزرگ ما در جست‌وجوی این نسخه بوده‌اند و نتوانسته‌اند به آن دسترسی پیدا کنند». حکیم با استناد به یادداشت خاتون‌آبادی، داماد علامه محمدباقر مجلسی، گفت: «خاتون‌آبادی می‌نویسد محمدباقر مجلسی به من می‌گفت شیخ بهایی و علامه محمدتقی مجلسی بسیار دنبال نسخه‌ای از صحیفه سجادیه بوده‌اند که به خط کفعمی نوشته شده بوده». حکیم گفت: «جالب است با اینکه کفعمی عموی پدر شیخ بهایی بوده و نسبت نزدیکی با او داشته، شیخ بهایی نتوانسته بود این نسخه را ببیند و در آرزویش بود که آن را به‌دست آورد. خاتون‌آبادی می‌نویسد آنها بسیار دنبال این نسخه گشته بودند اما نتوانسته بودند پیدایش کنند».

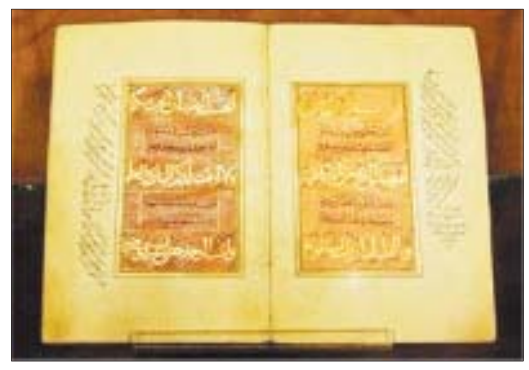

● حجت‌الاسلام محمدعلی خسروی به نیاز شدید جامعه ما به عرفان واقعی اشاره کرد و گفت: «اینکه امروزه جوان‌ها رو به عرفان‌های کاذب می‌آورند دلیلش خلأ عرفان واقعی است».

● حکیم: «کفعمی در این نسخه دو کار مهم انجام داده است؛ یکی اینکه کتاب را تصحیح کرده و دیگر اینکه براساس موازین ادبی که از روایات و قرآن گرفته بعضی از ضبط‌ها را تصحیح کرده است

تدوین شروح موضوعی اسلامی

سخنران بعدی نشست، دکتر عبدالحسین طالعی بود. دکتر طالعی گفت: «هرچه فکر کردم این جلسه را چطور می‌شود در سه، چهار کلمه خلاصه کرد، بهتر از این پیدا نکردم که بگویم به قول شاعر: ای خوش آن جلوه که ناگاه رسد» دکتر طالعی آن‌گاه با اشاره به وضعیت فرهنگی کشور و محدودیت‌های بودجه‌ای گفت پیشنهاد چاپ این نسخه صحیفه را در کمال ناامیدی با حجت‌الاسلام نورالهیان در میان گذاشته است. دکتر طالعی درادامه گفت: «روزی که در کتابخانه محقق طباطبایی خدمت جناب حکیم و سیدعلی آقای طباطبایی نشسته بودیم و بحث این صحیفه شد، واقعا مأیوسانه خدمت آقای نورالهیان زنگ زدم. نه اینکه ناامیدی‌ام از بابت شخص ایشان بوده باشد، بلکه از این جهت ناامید بودم که با توجه به اوضاع فرهنگی و مسائل مالی و محدودیت‌هایی که وجود دارد، به هر دلیلی اولویت‌ها به بعضی کارهای دیگر داده می‌شود و به بعضی کارهای اساسی و زیربنایی که فقط خواص قدرشان را می‌شناسند، کمتر بها داده می‌شود. اما به‌هرحال، من با ناامیدی خدمت جناب نورالهیان زنگ زدم و برای من فوق‌العاده بود که تلفن ناامیدانه من چطور به نتیجه رسید و از این اتفاق یاد حدیث قدسی امام‌جواد(ع) افتادم که فرموده‌اند به چیزی که امیدوار نیستی امیدوارتر باش تا آنی که امیدواری». دکتر طالعی یکی از وجوه اهمیت صحیفه سجادیه را در این دانست که راوی آن خود امام معصوم است. آن‌گاه در توضیح بیشتر این وجه از اهمیت صحیفه به مقاله‌ای از دکتر پهلوان ارجاع داد و عنوان کرد: «چندسال پیش در زمان ریاست آقای مسجدجامعی، در موزه قرآن جلسه‌ای برپا شد که آقای دکتر پهلوان هم در آن حضور داشتند و آنجا مقاله‌ای از خودشان خواندند که بعدا ندیدم جایی چاپ شده باشد و جا دارد به‌مناسبتی، مثلا اگر قرار شد راجع‌به صحیفه مجموعه مقالاتی منتشر شود، این مقاله هم در چنین مجموعه‌ای بیاید. آقای دکتر پهلوان در این مقاله ۱۶ ویژگی برای صحیفه برشمردند و نشان دادند چرا صحیفه بین تمام کتب حدیثی، اثری منحصربه‌فرد است». دکتر طالعی درادامه درباره نسخه دست‌نویس کفعمی از صحیفه گفت: «شوق دیدن نسخه کفعمی از مدت‌ها پیش در ما ایجاد شده بود و بالاخره توانستیم این نسخه را زیارت کنیم». دکتر طالعی در پایان سخنان خود پیشنهاداتی درباره کارهایی که باید در زمینه شناساندن هرچه بیشتر صحیفه سجادیه شود، ارائه کرد و گفت: «به‌نظرم یکی از کارهایی که باید درباره صحیفه سجادیه انجام شود، تدوین شروح موضوعی برای آن است، چون شروحی که تا الان بوده‌اند همه ترتیبی‌اند و باید به تدوین شروح موضوعی مثل توحید در صحیفه، نبوت در صحیفه، امامت در صحیفه و مسائل اجتماعی و اخلاقی و انواع و اقسام موضوعات دیگری که در صحیفه به آنها پرداخته شده است، اقدام کرد. کار دیگری که باید در رابطه با صحیفه انجام داد، نوشتن پایان‌نامه‌هایی درباره صحیفه بسیار کم است و سومین کار ضروری درباره صحیفه این است که برای آشنایی مخاطبانی در گروه‌های سنی مختلف، با این کتاب اقدام شود؛ مثلا تدارک نسخه‌ای از صحیفه برای کودکان، نسخه‌ای برای نوجوانان و... . همچنین انجام کارهای هنری مثل داستان و داستانک و فیلم کوتاه و... براساس صحیفه».

دریچه‌نو

بعد از سخنان دکتر طالعی و پیشنهادات او درباره نحوه آشنایی مخاطبان با صحیفه سجادیه، دکتر باقری درباره کتابی در دست تدوین با عنوان دانشنامه صحیفه سجادیه که با همکاری مرکز پژوهش‌های وزارت آموزش‌وپرورش در دست تدوین است، توضیحی داد و آن‌گاه گفت: «صحیفه سجادیه کتابی است که دریچه نویی به روی ما گشوده است. به این معنا که امام‌سجاد(ع) با این کتاب به ما آموختند می‌توان از قالب دعا برای انتقال معارف بلند الهی و طرح بسیاری از حرف‌های ناگفتنی استفاده کرد. چه آن دسته از حرف‌هایی که به دلیل بلندای عرفانی و معرفتی و درک محدود مخاطب، مجال طرح‌شان نیست و فقط درگفت‌وگو با خدا می‌توان آزادانه و بدون دغدغه فهم مخاطب آنها را مطرح کرد و چه آن دسته از حرف‌هایی که شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گفتمان غالب بر جوامع انسانی اجازه طرح مستقیم آنها را نمی‌دهد و بنابراین می‌شود این نوع سخنان و مواضع را در قالب گفت‌وگو با خدا طرح کرد که به نظر من صحیفه از این نظر دریچه نوینی به روی جامعه بشری می‌گشاید». دکتر باقری در ادامه گفت: «این دریچه نو فقط از این نظر نیست که در صحیفه می‌توان از عالی‌ترین نیایش‌ها و دعاهایی که جامعه بشری می‌تواند از آنها بهره بگیرد و به آنها ببالد و بنازد و با آنها به گفت‌وگو با خدا بپردازد بهره‌مند شد، بلکه از این نظر هم هست که نشان می‌دهد می‌توان برای انتقال مواضع و حرف‌ها و دیدگاه‌ها، علاوه بر قالب‌هایی نظیر نظم و رمان و داستان کوتاه و... از قالب دعا نیز استفاده کرد. بشر قالب‌های مختلفی را برای طرح دیدگاه‌هایش به‌کار برده اما اینکه سیاسی‌ترین و جدی‌ترین حرف‌هایی که احیانا با گفتمان غالب سازگاری ندارد و گفتمان غالب، آنها را برنمی‌تابد و حاکمان تسلیم آن نمی‌شوند و اجازه طرح آنها را نمی‌دهند در قالب دعا و نیایش بیان شود، کاری است که در صحیفه سجادیه صورت گرفته و اگر از این زاویه به صحیفه نگاه کنیم، می‌بینیم صحیفه افق بسیار بلندی را در برابر دیدگان انسان‌های طالب حقیقت و کمال و تعالی و معنویت خواهد گشود». پس از دکتر باقری، دکتر خالقیان توضیح مختصری درباره دانشنامه صحیفه سجادیه و اینکه کار تدوین این دانشنامه در چه مرحله‌ای است ارائه داد و گفت: «این دانشنامه با رویکرد به مخاطب نوجوان و آشنایی نوجوانان با صحیفه سجادیه در حال تدوین است و الان مشغول انجام کارهای آن هستیم و فهرست مداخل و شیوه‌نامه آن تصویب شده و در دست انجام است».

مظلوم‌وغریب

سپس حجت‌الاسلام هادی اشرفی که حدود هشت سال پیش، نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را که در هند و متعلق به اسماعیلیه بوده، به ایران آورده است، درباره این نسخه توضیحاتی داد. حجت‌الاسلام اشرفی درباره این نسخه گفت: «این نسخه بسیار ارزشمند است و جزء نسخه‌هایی است که به وسیله اسماعیلیه و دیگر فرق شیعه تدریس می‌شود. در یکی از سفرهایی که به دعوت یکی از گروه‌های اسماعیلیه و برای دیدن کتابخانه و مواریثی که آنها از فاطمیون داشتند به هند می‌رفتم، حاج‌آقا نورالهیان نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را به من دادند و فرمودند آنها حتما نسخه‌ای از صحیفه سجادیه در اختیار دارند. من هم وقتی رفتم هند یک نسخه از صحیفه را با خودم بردم و به کسانی که به دعوت‌شان به هند رفته بودم گفتم که من این صحیفه سجادیه را برای شما آوردم و تقاضای من این است که شما هم یک نسخه از صحیفه سجادیه‌ای را که در اختیارتان است به من بدهید. آنها هم آن نسخه را در اختیار من گذاشتند و من آن را مقابله و تصحیح کردم و الان این نسخه در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود و دارند روی آن کار می‌کنند». حجت‌الاسلام اشرفی آن‌گاه در بیان اهمیت صحیفه سجادیه گفت: «صحیفه سجادیه در میان ما مظلوم و غریب مانده است. امام‌سجاد(ع) در سخت‌ترین شرایط زندگی خودش، در حقیقت نسخه شفای دردها و رنج‌های بشریت را در فرازوفرود و زوایای مختلف زندگی فریاد کشیده و من فکر می‌کنم راهکار و پیش‌نیاز معرفی اسلام و قرآن به ادیان غیرابراهیمی که مبتنی بر رعایت بعضی از اصول اخلاقی و انسانی هستند، معرفی صحیفه سجادیه به پیروان آن ادیان است؛ یعنی ما برای پیروان چنین ادیانی باید اول با زبان صحیفه و با زبان امام‌سجاد(ع) حرف بزنیم؛ چون یک‌سری قلمروهای مشترک اخلاقی و انسانی بین ادیان وجود دارد که امروز جامعه ما هم به علت عدم رعایت آنها به‌شدت در رنج است و لازم است برگردیم به همان اصول و مبانی اخلاقی و انسانی و مبانی این اصول هم در دست ماست. برای همین برای معرفی اسلام و قرآن به ادیان غیرابراهیمی، راهی نداریم جز اینکه اول از این اصول مشترک اخلاقی و انسانی با آنها حرف بزنیم».

عرفان‌واقعی

سخنران بعدی مراسم حجت‌الاسلام محمدعلی خسروی بود. حجت‌الاسلام خسروی در سخنان خود به نیاز شدید جامعه ما به عرفان واقعی اشاره کرد و گفت: «اینکه امروزه جوان‌ها رو به عرفان‌های کاذب می‌آورند دلیلش خلأ عرفان واقعی است و تنها چیزی که می‌تواند این خلأ را پر کند، صحیفه و دعاهای امام‌سجاد(ع) است». حجت‌الاسلام خسروی آن‌گاه خاطره‌ای را نقل کرد از سالی که در مکه مشغول طواف مستحب بوده و در حین طواف، مناجات خمس عشر امام‌سجاد(ع) را می‌خوانده و یک مسلمان اهل یوگسلاوی وقتی این مناجات را شنیده شیفته آن شده است. حجت‌الاسلام خسروی آن‌گاه گفت: «ما چنین گوهر قیمتی‌ای داریم و ارزش آن را نمی‌دانیم، در حالی‌که واقعا این دعاها می‌تواند انسان را متحول کند، چون امام‌سجاد(ع) در مناجات خمس عشر برای هر حالت انسان یک دعای کوتاه بیان کرده و اهمیت این مناجات در همین است؛ چون انسان همیشه به یک حال نیست و این مناجات انسان را در حالات مختلف در نظر گرفته تا انسان در هر حالتی بتواند با خدا ارتباط داشته باشد. تأثیراتی که این دعاها در روان و اخلاق انسان دارد، بی‌نظیر است و ما باید توجه بیشتری به آنها داشته باشیم و باید فرصت‌هایی را ایجاد کنیم که جامعه بیشتر متوجه این ارزش‌های اخلاقی و انسانی باشد». حجت‌الاسلام خسروی در ادامه سخنان خود امام‌سجاد(ع) را پایه‌گذار عرفان تشیع دانست. آخرین سخنران مراسم، دکتر حسینی بود که پس از نقل خاطره‌ای از شیفتگی یک کشیش لبنانی در آفریقای جنوبی، به صحیفه سجادیه غزلی را که در منقبت امام‌سجاد(ع) سروده بود، خواند که مطلع آن چنین بود: «مست مست‌اند عاشقان از نام زین‌العابدین/ تشنگان معرفت از جام زین‌العابدین».

همین حوالی

تحریرهای رود

مراسم رونمایی از کتاب «تحریرهای رود»، کتاب صوتی سیدحمیدرضا برقعی، با حضور احمد مسجدجامعی، حجت‌الاسلام دعایی و علاقه‌مندان در کتابخانه ملی برگزار شد. احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران، در این مراسم گفت: در باب ارادت ایرانیان به سیدالشهدا(ع)، نقل‌های مختلفی وجود دارد. مختار ثقفی وقتی یکی، دو سال بعد از واقعه کربلا دست به قیام زد، ایرانیان زیادی او را همراهی می‌کردند. البته ما گزارشی از حضور ایرانیان در کربلا نداریم اما یکی از دلایل جابه‌جایی مرکز حکومت از مدینه به کوفه، ایرانیان بوده‌اند که امروز نیز می‌بینیم بیشتر شهرهای شیعه‌نشین عراق به ایران نزدیک هستند. این موضوع نشان از ارادت دیرینه ایرانیان به امام‌حسین(ع) دارد و این علاقه در شعر و ادبیات جلوه کرده است.

کسایی مروزی؛ آغازگر مقتل‌سرایی فارسی

مسجدجامعی ضمن اشاره به کسایی مروزی به عنوان اولین شاعر آیینی فارسی، گفت: گفته می‌شود کسایی مروزی اولین شاعر مقتل‌سرای فارسی است. باید دقت کرد که ایرانیان حتی بیش از آنچه به لحاظ تاریخی مشهور است، به این عشق و علاقه پیوسته‌اند؛ چراکه ۵۰ سال بعد از غیبت صغری، کسایی مروزی شعری می‌گوید که قطعا بی‌مقدمه نبوده است. کسایی در قصیده‌ای به حوادث کربلا می‌پردازد و از این حیث نوآوری به همراه دارد. او را می‌توان آغازگر مقتل‌سرایی فارسی دانست. او در بعضی از اشعار خود به ریشه‌یابی واقعه کربلا می‌پردازد. وی اضافه کرد: البته باورهای شاعر با امروز کمی فاصله داشته است. برای مثال او می‌گوید یک کودک پنج‌ماهه در کربلا شهید شده است و از نظر او شهربانو همسر امام‌حسین(ع) در کنار حضرت‌زینب(س) شاهد واقعه کربلا بوده است. عضو شورای شهر تهران در بخش دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به یک بیت شعر از کسایی مروزی افزود: این شعر بیانگر این است که سوگواری ایرانیان برای امام‌حسین(ع) نه‌فقط در قرن سوم و در دوران آل‌بویه، بلکه از دوران سامانیان نیز رواج داشته است و علاوه بر شهرهای مذهبی ما ازجمله قم، کاشان، تفرش و ری، در سایر مناطق هم سوگواری امام‌حسین(ع) پررونق بوده است. در ادامه، حجت‌الاسلام دعایی به نقل خاطره‌ای پرداخت. پس از آن مراسم رونمایی از این کتاب با حضور موسوی‌گرمارودی، اسماعیل آذر، سعید بیابانکی، محمدعلی مجاهدی و برزین ضرغامی برگزار شد.

پیشنهاد

صدوپانزدهمین شماره نشریه «اطلاعات حکمت و معرفت» با عنوان «شادکامی و سعادت ۲» منتشر شد. نخستین نوشتار گفت‌وگویی است با امیرعباس علیزمانی با عنوان «شادکامی و معنای زندگی». دیگر مقالات دفتر ماه نیز به‌ترتیب عبارتند از: «شادکامی به‌مثابه اخلاق» به قلم ویلیام کی. رایت، «لذت‌جویی» ترجمه مدخلی از دانش‌نامه استنفورد، «به‌سوی شادکامی ماندگار» به قلم سونیا لیبومیرسکی و جیم ال کورتز، «درآمد مالی و شادکامی» عنوان مقاله‌ای است به قلم ریچارد لایر، پژوهشگر حوزه شادکامی، و در نهایت «مفهوم سعادت از منظر غزالی».

بخش ادب و هنر دربرگیرنده دو نوشتار است: «زبان و واژه روح فرهنگ است» بخش دوم و پایانی اقتراحی است با حضور بهاءالدین خرمشاهی و کامران فانی که سیدمسعود رضوی انجام داده است و مقاله «زیباشناسی نقاشی در قرن هفدهم» به قلم وواديسواف تاتارکیویچ است. مجله اطلاعات حکمت و معرفت با مدیرمسئولی و سردبیری انشاءالله رحمتی با قیمت دوهزار تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

نگاه

چطور با مرگ عزیزانمان کنار بیاییم؟

سعید برآبادی

بی‌رحمانه‌ترین قضاوت درباره «خاطرات سوگواری» این است که مالیخولیای نویسنده این کتاب را تنها یک سخنرانی پراکنده در عزای مادرش بدانیم. درست است که رولان بارت نوشتن این یادداشت‌ها را درست از روز مرگ مادرش آغاز کرده اما کتاب که به نیمه می‌رسد، مخاطب احساس می‌کند که دیگر تنها ماجرای مرگ مادر نویسنده در کار نیست؛ بارت، گویی از این خاطرات، دریچه‌ای رو به موضوع «فقدان» باز کرده و در حال نگریستن به مقوله «ازدست‌دادن» در سطوح مختلفی است که انسان را دچار غم، اندوه و سردرگمی خودش می‌کند. اگر کسی را از دست داده‌اید، این کتاب را از دست ندهید؛ بارت با شما همدردی می‌کند که چطور می‌شود در اندوهگینی روزهای فقدان، غرق شد و به‌جای گریه‌وزاری، به بزنگاه‌های ذهنی سوگواران مراجعه کرد. آیا بر سر مزار عزیز ازدست‌رفته‌تان نتوانسته‌اید گریه کنید؟ آیا در فرودگاه و لحظه بدرقه معشوقه‌تان، اشکتان خشک شده و آیا فقدان عزیزی را پذیرفته‌اید و حالا از خود می‌پرسید که چطور باید به شادی میهمانی‌های کوچک و محقر تن بدهید؟ بارت در یادداشت‌های شخصی‌اش به این سؤال‌ها جواب داده و اگر حتی جوابی نداشته که بدهد، خود را در کنار شما قرار داده و از چنین تناقض‌های بزرگ انسانی شکوه کرده است:

-«کاش می‌توانستم میل عمیقم را به خلوت‌کردن با خود، به کناره‌گیری و «نگرانم نباشید»ی که مستقیم و بی‌انعطاف از رنج‌کشیدن جاودان به دستم می‌آید بیان کنم».

-«هر نوع معاشرتی بیهودگی دنیایی که مامان دیگر در آن وجود ندارد را تقویت می‌کند».

زندگی فردی بارت که از فیلسوفان و نظریه‌پردازان برجسته و از چهره‌های آکادمیک قَدرِ دوران مدرنیته بود با مرگ مادرش به‌سادگی از هم پاشید، این کتاب روایت کودکی است که نمی‌تواند مرگ مادرش را بپذیرد، نه سرنوشت نویسنده‌ای بزرگ‌مرتبه که درست در دوران همین دست‌وپازدن، بزرگ‌ترین آثارش را خلق کرده است. بارتِ این کتاب، بارتِ جهان اسطوره‌ها و تقابل متن و تصویر، بارتِ خردورزی یا بارتِ نمادها و نشانه‌ها نیست؛ کودکی است که در قفای مادر مرده‌اش اشک می‌ریزد، از میهمانی‌ها عذرخواهی می‌کند، گوشه خانه را برای زندگی انتخاب کرده و فقدان تنها همراهش، وادارش کرده که بی‌وقفه برای او بنویسد. او در همین کتاب کوچک و کم‌حجم است که نشان می‌دهد برای یک سوگوار واقعی، پاسخ‌دادن به سؤالات درونی‌اش در زمینه فقدانِ عزیزی که رفته، مهم‌تر از شرکت در مراسمات سوگواری رایج است: «درحقیقت او در این کتاب به مخاطبانش توضیح می‌دهد که باید بین احساسات لحظه‌ای خود به‌خاطر ازدست‌دادن و سوگواری همیشگی فقدان، فرق بگذارند تا بتوانند با عبور از ناراحتی‌های پس از مرگ، آن فقدان بزرگ را درک کنند: «سوگواری در معرض فرسایش و زمان تقلیل پیدا نمی‌کند، بی‌نظم و ناسازگار است و چون عشق به تازگی همان روز اول». علاوه بر نثر عجیب‌وغریب بارت، نباید در خواندن این کتاب از ترجمه خوب محمدحسین واقف هم غافل شد، کسی که انگار این کتاب را عاشقانه برای بستر تمام فقدان‌دیده‌ها ترجمه کرده است: از چه کسی می‌توانم این سؤال را بپرسم (با این امید که پاسخی بیابم)؟

آیا بدونِ کسی که دوستش داشته‌ای، قادر به زندگی‌بودن، به معنای این است که او را کمتر از آنچه فکر می‌کردی دوست داشتی؟

اتفاق

غیبت بخش فرهنگ در لایحه احکام دائمی برنامه ششم

سعید امیریان

در خبرها آمده بود: لایحه تنظیم برخی از احکام برنامه‌های توسعه کشور در قالب بازبینی و احصای احکام دائمی برنامه پنجم توسعه از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. همان‌گونه که از گزاره فوق استنباط می‌شود، از میان بیش از ۲۲۰ ماده قانونی برنامه پنجم تنها تعدادی از احکام که جنبه دائمی دارند شانس حضور در لایحه فوق را پیدا کرده و سایر احکام برنامه پنجم از لایحه مذکور کنار گذاشته شده‌اند و شاید در فاز دوم تنظیم برنامه ششم مورد توجه قرار گیرند. البته تنظیم فاز دوم برنامه ششم تا حدودی ابهام دارد، زیرا محمدباقر نوبخت در مصاحبه اخیر خود گفت در فاز دوم تدوین برنامه ششم مجموعه اهداف و برنامه‌های عملیاتی بخش‌های مختلف به‌همراه اسناد پشتیبان به مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد و هیچ اشاره‌ای به احکام غیردائمی مورد نیاز بخش‌ها نکرد و در میان تنظیم‌کنندگان برنامه‌های بخشی و حتی کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور این ابهام را باقی گذاشت.

به باور این نوشتار در لایحه تقدیمی به مجلس شورای اسلامی باید نگاه جامع برنامه‌ای حفظ شده و احکام دائمی تمامی بخش‌ها، احصا و ارائه می‌شد. پذیرفتنی نیست که بخشی همچون بخش فرهنگ فاقد هرگونه حکم دائمی بوده است. بررسی لایحه ارائه‌شده حاکی است تمامی احکام این بخش در برنامه پنجم از لایحه حذف شده و هیچ‌کدام از آنها درخور دائمی‌شدن تشخیص داده نشده‌اند که البته این امر نشان‌دهنده عدم شناخت کافی نظام برنامه‌ریزی کشور از بخش فرهنگ است. چگونه ممکن است حوزه فرهنگ شامل رسانه‌ها، انتشارات، هنر، امور مذهبی، میراث فرهنگی، صنایع دستی، گردشگری و ورزش فاقد هرگونه حکم دائمی در نظام برنامه‌ریزی کشور باشد؟

البته این نقد واقعی وجود دارد که احکام برنامه پنجم در حوزه فرهنگ از قوام لازم برخوردار نیست، ولی آیا حداقلی از آنها هم امکان حضور در لایحه فوق را نداشتند؟ آیا موضوعاتی چون لزوم تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم عمرانی ملی حائز شرایط دائمی‌شدن نبودند؟ آیا احکام مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی کشور نباید دائمی می‌شد؟ اگر احکام برنامه پنجم ضعیف تشخیص داده شده‌اند، آیا نمی‌شد از احکام برنامه چهارم کمک گرفته شود؟ به نظر می‌رسد خالی‌گذاشتن واگن فرهنگ در قطار برنامه ششم حداقل در بخش احکام دائمی امری است که باید به دست‌اندرکاران مربوطه تذکر داده شود که